

نقد و بررسی شیطان پرستی مدرن (satanism)

دکتر محمد حسن یعقوبیان*

چکیده

شیطان پرستی مدرن فرقه ای است که در سال ۱۹۶۶ در سانفرانسیسکو آمریکا توسط شخصی به نام آنتوان لاوی تاسیس شده است. شیطان پرستی مدرن در بستر تاریخی خود دیرینه ای در تاریخ جادوگری و ارتباط با شیاطین دارد. به ویژه جادوی سیاه که در رنسانس شکل می گیرد و هدفش مبارزه با مقدسات ادیان به ویژه مسیحیت است. آئین های انحرافی نظیر میترائیسم و عملکرد ناصحیح کلیسا در قرون وسطی و فضای فکری دوران رنسانس و مدرن، بستر های حاصلخیز پیدایش این فرقه هستند. اما در نگاهی عمیق تر، طرح شیطان پرستی به عنوان یکی از نشانه های ظهور مسیح، مهره ای در بازی شطرنج بزرگتر به نام اپوکالیپس یا آخر الزمان است که امروزه در آمریکا، توسط ایوانجلیست

* استادیار دانشکده معارف قرآنی اصفهان.

ها تبلیغ می شود. همچنین استفاده های سیاسی و فرهنگی از این فرقه ضاله، از جمله اهداف طراحان این فرقه است.
واژگان کلیدی: شیطان پرستی، شیطان پرستی مدرن، آخر الزمان، مسیح، کلیسا

۱- طرح مسئله

در این مقاله بحث مورد نظر، نقد و بررسی فرقه ضاله شیطان پرستی است. ما در تحلیل خود به دنبال این مسئله هستیم که آیا این فرقه دارای بستر و پیشینه تاریخی هست یا خیر؟ و در صورت دارا بودن، بسترهای فرهنگی و فکری آن چیست؟ با بررسی این مسئله هم تبار شناسی شیطان پرستی مشخص می شود و هم ویژگی های خاص شیطان پرستی مدرن معلوم می گردد. همچنین می کوشیم تا به این پرسش پاسخ دهیم که هدف از ایجاد این فرقه و طرح پررنگ شیطان پرستی در دنیای کنونی چیست؟ و گردانندگان و طراحان این فرقه چه سودی از برجسته کردن چنین افکاری می برند؟
 در مجموع با طرح این پرسشها و پاسخ به آن ها کوشش می شود تا پیشینه و دیرینه شناسی شیطان پرستی در تاریخ غرب مشخص گردد و با ذکر اختصاری از اصول فکری این فرقه، شرایط کنونی اش بیان گردد و در نهایت با بررسی اهداف و زوایای پنهان این فرقه، نوعی آینده نگری و غایت شناسی نیز از نظر دور ننگردد.

۲- مفهوم شیطان پرستی

بشر از دیرباز با شر و نیروهای مرموز غیبی در حوزه ی نظر و عمل خویش روبرو بوده است و به ویژه آن گاه که از تفکر الهی انبیا به دور بوده و در هضم معرفتی عدل الهی در ساختار جهان دچار مشکل شده، در گیری جدی تری با

این مسئله داشته است. از این جهت، شبهه شریکی از مسائل مهم در تاریخ تفکر بشری است که قدمتی به اندازه تاریخ تفکر دارد و تا به امروز در مباحث فلسفه دین، ادامه یافته است.

از این شرور یکی شیطان است. مواجهه بشر با این موجود شکل های مختلفی به خود دیده است. علی رغم تحذیر ادیان الهی، گاه این مواجهه اسرار آمیز از تقابل به تعامل می رسیده است. این تعامل نیز گاه به چنان گرایشی رسیده است که مفهومی به نام شیطان پرستی شکل گرفته است. البته شیطان پرستی معانی و مفاهیم مختلفی دارد، که لازم است از یکدیگر تمیز یابند:

۲-۱. مفهوم اعم

شیطان پرستی به مفهوم اعم پیروی از هوی نفس و فریب وسوسه های شیطان را خوردن است که در قرآن کریم به آن اشاره شده است :

(یس (۳۶)، آیه ۶۰)

«ای بنی آدم آیا با شما عهد نکردم که شیطان را نپرستید که همانا او دشمن آشکاری برای شماست.»

در حقیقت در این مفهوم، منظور از تعبد شیطان، پیروی از شیطان و گرایش به گناه، گسستن عهد الست و فراموش کردن این نکته است که شیطان دشمن آشکار انسان ها است.

۲-۲. مفهوم عام

شیطان پرستی به مفهوم عام، در قالب جادو و جادوگری است که در طول

تاریخ جادوگرانی بوده اند که در پی رابطه‌ی با ارواح پلید و معامله‌ی با شیطان در جهت تسخیر نیروهای اهریمنی بوده‌اند. پیدایش شمن‌ها یا جادوپزشک‌ها (shamanism) در دوران باستان تا جادوگران درباری امپراطوران و پادشاهان شاهد این مدعا است. (توفیقی، ۱۳۸۱: ۲۳)

۲-۳. مفهوم خاص

اما مفهوم خاص شیطان پرستی، شامل فرقه‌های خاصی است که شیطان را به عنوان معبود و یا الگوی خود در نظر می‌گیرند؛ و اعمال و رفتار شیطانی انجام می‌دهند تا به او تقرب جویند. شیطان پرستی به این معنی نیز دارای دو نحله شرقی و غربی است:

الف) یزیدیان:

این فرقه شرقی گرایش به شیطان دارند و شیطان را به عنوان طاووس ملک می‌دانند و حتی مکان‌هایی به نام جهنم برای او ساخته‌اند و آداب خرافایی نیز انجام می‌دهند. مکان این فرقه بیشتر کردستان عراق واقع در منطقه لالش است. در باب ماهیت آن‌ها نیز: «برخی معتقدند که آیین یزیدی همان آیین‌های کهن زرتشتی و مانوی است که به سبب مجالست و معاشرت با دیگر ادیان از قبیل آشوری، عیسوی، اسلام و یهود صبغه و رنگ آن‌ها را به خود گرفته است.» (روزبھانی، ۱۳۸۶: ۲۳) البته در این مقاله این فرقه مورد نظر نیست.

ب) شیطان پرستی مدرن:

آن‌چه در این بحث مورد نظر ما است فرقه‌ای است که در دوران مدرن تحت عنوان satanism یا شیطان پرستی شکل گرفته است. این شیطان پرستی در سال ۱۹۶۶ توسط شخصی به نام «آنتوان اس زاندر لای» (Anton Szandor)

(Lavey) در شهر سانفرانسیسکو آمریکا با تاسیس کلیسای شیطان (The church of satan) شکل می‌گیرد. در سال ۱۹۷۵ شخصی به نام «مایکل آکوئینو» (Micheale Aquino) در اثر اختلافات فکری و مدیریتی با لایوی به تاسیس معبد ست (temple of set)، دست می‌زند. کلیسای شیطان لایوی نیز پس از مرگ وی توسط پیتر گیلومور از سال ۲۰۰۱ اداره می‌شود. آخرین اثر او کتاب مقدس شیطانی است (The satanic scripture) که در سال ۲۰۰۷ منتشر شد. (نگ: صدیقی، ۱۳۸۶: ۶۵-۶۳).

شیطان پرستی جدید در برخی گرایش‌های خود بیش از این که به وجود خارجی شیطان توجه داشته باشد به شیطان باطنی و گرایش به گناه و هوی و هوس نظر دارد. رهایی از هر قانون و تکلیف و گسستن همه فرامین دینی و الهی از ویژگی‌های این فرقه است. در حقیقت شیطان برای آن‌ها نماد عصیان و نافرمانی و آنارشیزم است.

۳- تبارشناسی شیطان پرستی

چنانکه ذکر شد شیطان پرستی به مفهوم خاص، در این مقاله مورد نظر ماست اما شیطان پرستی به مفهوم عام نیز به عنوان یکی از پیشینه‌های تاریخی و بستر ساز شیطان پرستی مدرن به ویژه در دوران قرون وسطی و رنسانس باید مورد توجه قرار گیرد. و البته در نهایت و با عصیانی که در افکار و اعمال شیطان پرستان وجود دارد، به ناچار شیطان پرستی اعم نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. در حقیقت گرچه به لحاظ نظم بحث این سه مفهوم باید از یکدیگر تمییز یابند اما به لحاظ تحلیل محتوایی و در عالم واقع، بی‌ربط از هم نیز نیستند. از این رو، ابتدا از تبارشناسی و دیرینه‌شناسی شیطان پرستی آغاز می‌کنیم.

۳-۱. آئین‌های باستانی

شیطان‌پرستی مدرن، کوله‌باری از علائم فرهنگی - تاریخی بر دوش دارد. علائم، نمادها و اسامی خدایان باستانی مصر، ایران و چین و... مانند: سیت خدای شر مصر، اهریمن زرتشت، بین و یانگ (خیر و شر) تائوئیسم چین؛ رد پای سمبلیک این فرقه را تا دوردست‌ها نشان می‌دهد. این مسئله منجر به طرح پرسشی مهم شده است که پاسخ آن ما را به بررسی تبارشناسی شیطان‌پرستی سوق می‌دهد. و آن پرسش این است که آیا ظهور این فرقه در دنیای جدید یک پدیده دفعی است که به یکباره کلید خورده است و یا پدیده‌ای است که در بستر یک جریان تاریخی و مسبوق به سوابقی در ادیان و فرق مختلف جهان است؟

علائمی که شیطان پرستان در آثار خود اعم از موسیقی و فیلم و پوشاک و ... ارائه می‌کنند اصرار بر این دارد که نظر دوم را تایید نماید. برخی از محققین نیز در تایید سابقه تاریخی این فرقه تا بدان جا پیش رفته اند که قدمت شیطان‌پرستی مدرن را به دوران باستان رسانده‌اند. اهل تحقیق می‌گویند:

اندیشه شیطان پرستی و تقدیس شیطان، در شماری از ادیان کهن آمده است و برخی از ادیان، خدایان متعددی داشته اند که ان خدایان نماینده شر بودند. به عنوان مثال در تمدن کهن مصر، الهه سیت یا شیت به کلمه Satan یعنی شیطان به عنوان نیروی شر، نزدیک است و مصری‌ها برای در امن ماندن از شر او، قربانی‌های زیادی تقدیم آن می‌کردند. در تمدن هندی نیز شیطان نقش زیادی در زندگی مردم داشته است. آن‌ها شیطان را راکشا می‌نامیدند. یونانی‌ها شیطان را «دی ات بولس» (dit-boles) یعنی معترض می‌خواندند [...] (ماهنامه موعود، شماره ۱۲۴ و

در مقام داوری می‌توان گفت که شیطان‌پرستی به مفهوم عام قدمتی دیرینه دارد. ولی شیطان‌پرستی مدرن ویژگی‌هایی را به خود اختصاص داده است که آن را از دوره‌های پیشین متمایز می‌کند. لذا استفاده از علائم آئین‌های باستانی و ادیان گذشته، نباید ما را به اشتباه اندازد. از این رو، این مطلب که شیطان‌پرستی به مفهوم خاص قدمتی به اندازه تاریخ ادیان دارد فی الجمله صحیح است نه بالجمله. بلکه می‌توان این گونه گفت که شیطان‌پرستی مدرن به عنوان یک فرقه نوظهور دارای بستر تاریخی مناسبی برای رشد بوده است نه این که یکباره و دفعی سبز شده باشد. و البته می‌کوشد تا با ویتیرینی از علائم اهریمنی ادیان مختلف هویتی تاریخی برای خود به دست آورد و بستر نشر و شیوع خود را در فرهنگ‌های مختلف فراهم سازد. از این رو به شکل حساب شده به طرح اسامی و علائم می‌پردازد.

اما چنان‌که در قبل اشاره کردیم اگر شیطان‌پرستی مدرن، یک گیاه هرزه‌ای است که در یک بستر تاریخی - فرهنگی فرصت طرح پیدا کرده است، حال پرسش این است که آن بسترهای فکری و عقیدتی حاصلخیز چه بوده‌اند که اجازه چنین فرصتی را داده‌اند؟ پاسخ به این پرسش ما را به دنبال تاریخ از دوران باستان تا به دوران مدرن همراه می‌کند.

۳-۱-۲. افسانه اوزیریس، ایزیس و هوروس

چنانکه پیشتر ذکر شد، معبدی که مایکل آکوئینو پس از جدایی از لاوی تاسیس می‌کند معبد ست نام می‌گیرد. نام ست به افسانه خدایان مصری باز می‌گردد. اوزیریس و همسرش ایزیس و فرزندشان هوروس از خدایان اسطوره‌ای مصر هستند. ست خدای شر مصری است که برادر اوزیریس است و او را به

خاطر حسادت به قتل می‌رساند. تا این که هوروس فرزند اوزیریس انتقام پدر را از عمومی خود ست می‌گیرد و در این نبرد یک چشم خود را از دست می‌دهد. (بایرناس، ۱۳۸۳: ۵۲) این ست به عنوان یک خدای شر همان است که در معبد ست آکوئینو نام گذاری شده است. همچنین نماد تک چشم شیطان پرستی را برخی برگرفته از هوروس تک چشم مصری می‌دانند. البته جدای از استفاده از سمبل های دوران باستان، نام گذاری معبد ست حاکی از یک اختلاف نظر دیگر در میان شیطان پرستان نیز هست چرا که برخی از آن ها شیطان را به عنوان یک موجود مستقل و خدای مشخص نمی‌دانند. اما برخی چون آکوئینو شیطان را خدای شر و موجودی مستقل که شایسته پرستش است می‌دانند از این رو ست را به عنوان یک خدای شر و حسود برگزیده اند. این افسانه یک نمونه از استفاده این فرقه از اسطوره های باستانی مصر است.

۳-۱-۳. میترائیزم

میترائیزم یکی از آئین‌های ایران باستان است که در آن میتر را به عنوان خدای روشنایی و نور مورد پرستش قرار می‌دادند. خورشید و مهر نیز به عنوان نماد آن است. اما این آئین که ریشه در خرافات آئین مغان و بت پرستی دارد؛ آئینی است که معتقد به وجود نیروهای اهریمنی و عفریته‌ها است و در اثر همین باور به ثنویت اهریمن در کنار خدای دیگر اعتقاد داشته است. یکی از عوامل تحریف مذهب توحیدی زرتشت به ثنویت شرک آلود، نفوذ و تاثیر همین آئین در مزدیسناست سستی است. این آئین قدیمی در زمان هخامنشیان به بابل می‌رسد و با عقاید نجومی آن سرزمین مخلوط می‌شود و پس از آن در زمان امپراتوری روم وارد فرهنگ غرب می‌شود و تا دویست سال با مسیحیت رقابت می‌کند تا جایی

که برخی محققین ادیان، برخی از باورهای مسیحیت کنونی را یادگار آئین میترائی می‌دانند. مراسم نان مقدس و شراب هوم، تولد میترا، تعطیلی روز یکشنبه و عروج میترا نمونه‌هایی از این دست هستند. (کومن، ۱۳۸۰: ۱۷۰)

اما در باب شیطان‌پرستی، تصویر برجسته اهریمن و شیطان در تفکر میترائی و قدرتی که در خلق و دخل و تصرف در این عالم دارد و بحث سعادت و نحوسیت زمان و ستارگان و ... عناصری هستند که در تفکر و فرهنگ غرب و مسیحیت به یادگار مانده‌اند تا تصویر خاصی از شیطان در فرهنگ غرب ایجاد شود و به تدریج فربه‌تر شود و به تفکراتی نظیر جادوگری و شیطان‌پرستی منتهی شود.

از دیگر موارد آموزه‌های انحرافی آئین میترائی که تازه خود متأثر از برخی خرافه‌های اسطوره‌های دیگر است، مراسم می‌گساری و اباحیگری است. چنانکه کومن در کتاب خود آئین پراز و رمز میترائی به این مطلب اشاره می‌کند و هاشم رضی یکی از محققان آئین میترائی در پاورقی چنین توضیح می‌دهد:

کومن با ظرافت و دقت اشاره می‌کند که به موجب همانندی‌هایی که میان اساطیر مربوط به میترا و آتیس موجود بود، بسیاری از مراسم و آداب شرم‌آمیز که با می‌گساری‌های افراط‌آمیز و مناسبات جنسی و سماع‌های بسیار تند که شرکت‌کنندگان را به حالت جنون و بی‌خودی تمام سوق می‌داد و در آن حالات با زنجیر و کارد بدن خود را چاک زده و خون فراوان را به امکانه مقدسه و اسرارآمیز سی‌بله و آتیس می‌افشانند و... [به آئین میترایبی راه یافتند]» (همو، ص ۲۰۶)

تأثیرات این مراسم را در جشن‌های جادوگری اسباب و سابات قرون وسطی می‌بینیم. پارتی‌های شیطان‌پرستان نیز در امتداد همین مراسم‌هاست.

۳-۲. کابالا

علاوه بر این، خانه سیاه عنکبوتی این فرقه در شورزارهای دیگری نیز ریشه دارد. کابالا یا عرفان مخفی یهود یکی از این هاست.، که رد پای خود را با بافومت (Baphomet) (نام بزی است در عرفان یهود که نماد شیطان است)، برج اُبلیسک (obelisk) یا برج شیطان، ستاره ی هگزاگرام (ستاره ی شش پر داوود) و حتی خود شخص آنتوان لایو که یهودی زاده است و نام یهودی دارد؛ نشان می دهد. این عرفان مخفی توسط یهودیان در بسیاری از اصول و مبانی فکری جهان ترویج می شود. اما در باب محتویات این عرفان می توان گفت که :

«در دانش کابالا (یا قبلا) پیرامون عرش الهی، اسم اعظم، حوادث آخر الزمان، ظهور مسیحا، رجعت و قیامت بسیار بحث می شود. در این فن، علم حروف نقش مهمی دارد.» (توفیقی، بی تا: ۱۰۶)

علاوه بر استفاده از نمادهای کابالا، برخی محتویات این عرفان مانند انسان گرایی افراطی که حتی اسماء و صفات خداوند را در قالب نمودار انسانی به تصویر می کشد و طرح بهشت دنیوی و منفعت گرایی، از اصول تاثیر گذار عرفان کابالا در این جریان است.

۳-۳. مسیحیت

تاریخ طولانی مسیحیت از آن هنگام که توسط آباء کلیسا شروع به گسترش می کند تا رسیدن به تسلط سیاسی - اجتماعی در قرون وسطی و عبور از متن به حاشیه در رنسانس و دوران مدرن با جزر و مد های فراوانی روبرو بوده است

بررسی تفصیلی این تاریخ از عهده این نوشتار خارج است. اما از آن چه به موضوع بحث ما مربوط می شود، به اختصار مواردی را بیان می نمایم.

۳-۳-۱. کتاب مقدس

نکته بسیار مهمی که لازم به ذکر است نقش کتاب مقدس در تصویر سازی از شیطان و طرح اپوکالیپس است. در حقیقت کتاب مقدس به نوبه ی خود در تصویر سازی انحرافی از شیطان بی تاثیر نبوده است. نگاهی به قسمت عهد عتیق کتاب مقدس، سفر پیدایش، خود گویای مطلب است که چگونه، میوه ی ممنوعه حضرت آدم، شناخت معرفی می گردد: «خدا آدم را امر فرموده گفت که از تمامی درختان باغ، مختاری که بخوری اما از درخت دانستن نیک و بد مخور. چه در روز خوردنت از آن مستوجب مرگ می شوی.» (فاضل خان همدانی، ۱۳۸۳: ۵) و شیطان که به شکل ماری وارد بهشت شده است بیان می کند که خداوند نمی خواسته است انسان، عارف نیک و بد شود:

و مار به زن گفت که از میوه درختان باغ می خوریم. اما از میوه درختی که در وسط باغ است. خدا امر فرموده است که از آن مخورید و آن را لمس ننمائید مبدا که بمیرید و مار به زن گفت البته که نمی میرید و حال این که خدا می داند روزی که از آن می خورید، چشمان شما گشوده شده چون خدایانی که نیک و بد را می دانند، خواهید شد. (همان)

پس بر این باور آن کسی که انسان را به شناخت و معرفت دعوت کرد شیطان بود و نه خداوند. از این رو می بینیم که به شکل غیر مستقیم کتاب مقدس تصویری مثبت از شیطان ارائه می کند. این است که شیطان پرستان به خود حق می دهند تا چنین بگویند: « ما کسانی هستیم که دانش را به جای جهل پذیرفته

ایم. ما با آگاهی، درخت معرفت را انتخاب کردیم. راهی که شیطان نشان داد. ما سیب درخت معرفت را می خوریم. ما کسانی را که حقیقت را پایمال می کنند محاکمه می کنیم.» (صدیقی، بی تا: ۱۳۸)

همچنین در باب سیزده مکاشفات یوحنا انجیل می بینیم که از حیوانی سخن می گوید که در آخر الزمان از دریا بالا می آید و از اژدها قدرتی عظیم دریافت می کند. سپس شرایط آن زمان را توصیف می کند:

و آن اژدها را که قدرت به آن حیوان بخشید پرستیدند و گفتند که کیست که مثل این حیوان است و کیست که تواند با او جنگید و بوی داده شد که به الفاظ بلند کفر آمیز تکلم نماید و تا مدت چهل و دو ماه قدرت جنگ به وی داده شد و دهان خود را بر کفر بر خدا گشاد تا آن که کفر گوید بر آسمش و بر مسکنش و بر ساکنان آسمان و قدرتی بوی داده شد که با مقدسان جنگ نماید و آن ها را زیون سازد و قدرت بر هر قبیله و زبانی و طائفه بوی داده شد. و خواهند پرستید او را همگی ساکنان زمین که اسمای آن ها در کتاب حیات بره ذبیح از ابنای عالم مرقوم نشده است. (کتاب مقدس، یوحنا ۱۳: ۸-۴)

و در ادامه از حیوان دیگری سخن می گوید که از زمین بیرون می آید و نشانه اش عدد ۶۶۶ است: «و در این جا حکمتی است که صاحب فهم عدد حیوان را شمارد که عدد انسان است و عددش شش صد و شصت و شش است.» (همان، ۱۳: ۱۸) در این جا عدد شیطان و عدد وحش ۶۶۶ معرفی می شود که در عقاید شیطان پرستان به عنوان عدد شیطان بکار می رود.

این ها نمونه هایی از خود کتاب مقدس است که مستقیم یا غیر مستقیم به تصویر سازی انحرافی می پردازد. تطبیق نشانه ها و آداب شیطان پرستان با آموزه های کتاب مقدس جای تامل دارد.

۲-۳-۲. قرون وسطی

چنانکه در قبل خاطر نشان ساختیم، برخی خرافات میترائیزم شامل اعتقاد به نیروهای اهریمنی و عفریته و تصویر برجسته از شیطان و همچنین خرافات دوران امپراطوری روم به فرهنگ مسیحیت راه یافت که در قرون وسطی ذهن مردم را به خود مشغول ساخته بود. چنانکه ویل دورانت در توضیح عصر ایمان می‌گوید:

خیل عظیمی از موجودات مرموز و خارق العاده از اعصار شرک به عنوان میراث به مسیحیت رسیده بود. و هنوز نیز عده زیادی از دیوان، پریان و شیاطین کوچک و بزرگ و مهربان و شریر، اژدهاها، مرموز و افعیهای خون آشام از آسمان اسکاندیناوی و ایرلند وارد آن دیانت می شدند و مدام خرافات جدیدی از مشرق زمین رو به اروپا می نهاد. (دورانت، ۱۳۷۳: ج ۴، ۱۳۲۶)

تاریخ جادوگری در قرون وسطی گویای مباحث مختلف احضار ارواح (necromancy)، دیوشناسی (demonology)، ساحره‌ها و ... است که در باب تبارشناسی این پدیده‌ی مدرن اهمیتی فراوان دارد. تشکیل جشن‌های شبانه‌ی جادوگران به نام اسبات و سابات که در این جشن‌ها جادوگران خون خفاش و گربه می‌نوشیدند و به تقدیس شیطان و انکار جهان غیب و خداوند می پرداختند، تا به شیطان پرستی مدرن امروز رسیده است.

در مقابل، دستگاه کلیسا در تحکیم میله‌های قفس آهنین خود به پررنگ کردن نقش شیطان می‌پردازد. در سال ۱۲۳۳ دستگاه تفتیش عقاید شکل می‌گیرد. جادوگران و متهمان به جادوگری به سخت‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین اشکال مجازات می‌شوند. در سال ۱۵۶۳ ملکه الیزابت اول قوانین سخت حبس و مرگ را برای جادوگران در نظر می‌گیرد. جیمز اول در ۱۶۰۴ مجازات مرگ

را افزایش می‌دهد. (هاینینگ، بی تا: ۳۶) ویل دورانت این تلاش‌ها را چنین توصیف می‌کند:

کلیسا سخت با جاهلیت خرافه پرستی از در مبارزه در آمد. بسیاری از عادات و معتقدات را نکوهید و به تناسب شدت و ضعف آن‌ها کفاره‌هایی مقرر داشت. جادوی سیاه یا به عبارت دیگر توسل به شیاطین را برای کسب قدرت به منظور تغییر جریان حوادث مردود دانست. لکن این مسئله به طور مخفی در هزار گوشه و کنار رونق گرفت. کسانی که به این گونه جادوگری‌ها اشتغال داشتند، به طور خصوصی به نشر کتابی موسوم به کتاب لعنت پایدار مبادرت ورزیدند که حاوی اسامی قرارگاهها و اختیارات ویژه شیاطین عمده بود. تقریباً هر کسی به یک نوع وسیله جادویی برای عطف نیروی موجودات خارق العاده به هدف مطلوب خویش اعتقاد داشت. (دورانت، ۱۳۷۳: ج ۴، ۱۳۲۶)

۳-۳-۳. دوران رنسانس و مدرن

کلیسا با فشار بیش از حد در جهت حفظ تسلط خود، شیری بزرگ از شیطان می‌سازد که در سال‌های واپسین طعمه‌ی آن شیر خود ساخته می‌شود. هنگامی که عصر رنسانس و نوزایی و تحول فرا می‌رسد روح مردم غرب به سان فتری آزاد شده نه از کلیسا که از هر چه دین و معنویت است، فاصله می‌گیرد. ویل دورانت نیز به این مسئله اشاره می‌کند: «چه در نتیجه برانگیختن حس لجبازی مردم به وسیله محاکم تفتیش و چه به علل دیگر. عده کسانی که که خود را جادوگر می‌دانستند یا به گمان مردم پیشه جادوگری داشتند، سریعاً رو به افزایش نهاد. مخصوصاً در ایتالیای مجاور آلپ، ساحری از حیث ماهیت و مقیاس به صورت یک بیماری ساری در آمد.» (همان، ص ۵۶۰) البته دستگاه

تفتیش عقائد در دوران رنسانس نیز همچنان به کار خود ادامه می دهد و بسیاری از زنان را به جرم ساحره بودن به کام آتش می فرستد. چنانکه در سال ۱۴۸۴ اینو کنتیوس هشتم ضمن توقیعی مجازات جادوگران را خواستار می شود. (همان، ص ۵۵۹)

حتی خود اومانیست ها نیز به برخی از ارواح غریبه و عفریته ها اعتقاد داشتند. (همان، ص ۵۵۸) اما به تدریج این قوانین مجازات کم رنگ می شود. چنانکه در سال ۱۷۳۶ توسط چارلز دوم، تنها به حبس تقلیل می یابد. اینجاست که گرایش به جادوگری و جادوی شیطان به عنوان واکنشی علیه فشار های کلیسا پر رنگ می شود. حلقه های مخفی شیطان پرستی از کاترین دومدیچی (۸۹-۱۵۱۹) در فرانسه گرفته تا انجمن آتش دوزخ یا راهبه های مدمنهام در انگلستان شکل می گیرد.

در قرن بیستم شخصی به نام «آلیستر کراولی» (Alister Crowley) معروف به جانور بزرگ، حلقه های شیطان و شیطان پرستی با ویژگی هنجار شکنی و ابتذال و اباحیگری را دنبال می کند. پیتر هاینینگ فلسفه فکری کراولی را چنین بیان می کند: « حال می توان در یک جمله فلسفه اش را که بارها در خطابه ها و نامه هایش با لذت تکرار کرده، خلاصه کرد: «قانون یعنی انجام هر آن چه که می خواهی». (هاینینگ، بی تا: ۱۰۶)

سر انجام، قانون مجازات جادوگری در ۱۹۵۱ به طور کامل لغو می شود و در سال ۱۹۶۶، اینجاست که به آمریکا و آنتوان لاوی می رسد که خود را پیرو جادوی سیاه آلیستر کراولی می خواند.

شیطان پرستی مدرن به ویژه با گرایش کراولی و آنتوان لاوی دارای ویژگی های مخصوص به خود است:

الف) اعتقاد به شیطان درونی

برخی معتقدند، شیطان پرستی مدرن بیشتر سودای هنجار شکنی و آنارشیزم دارد تا پرستش عبادی موجودی خارجی به نام شیطان: «شیطان پرستی جدید برخلاف شیطان پرستی قدیمی اعتقادی به وجود شیطان خارجی ندارد بلکه شیطان پرستی جدید شیطان را در طبیعت و در وجود هر انسانی می داند و این باطن هر کسی است که شیطان در آن وجود دارد». (کریمی، ۱۳۸۸: ۴۴)

البته این مطلب عمومیت ندارد چرا که فی‌المثل در معبد ست مایکل آکوئینو، انتخاب خدای شر مصری یعنی ست بدین منظور بوده است که یک خدای شر خارجی مورد پرستش قرار گیرد. اما به هر روی ایجاد هیاهو و پر رنگ کردن نام شیطان و اعمال شیطانی به هر دو شکل، هدف دیگری داشته است که در ادامه بحث بدان می پردازیم.

ب) ضدیت با دین

آن‌ها می‌کوشند در علائم خود با نماد هایی نظیر صلیب و ارونه و در اعمال خود با هر چه رنگ و بوی شریعت و دین دارد مبارزه کنند. نجاست‌خواری، خودآزاری (مازوخیسم) و آزادی جنسی و اباحیگری نمونه‌هایی از این دست هستند تا مخالفی در برابر نجاسات دینی، حفظ حق بدن، عفت و تقوی باشند.

ج) هدونیزم

هدونیزم یا لذت‌گرایی یکی دیگر از اصولی است که شیطان پرستان تبلیغ می‌کنند. نفی فلسفی جهان دیگر و مادیت فلسفی ثمره‌ای جز مادیت اخلاقی

نخواهد داشت.

د) اومانیزم ملحد

در انسان گرایی الحادی کوشش می‌شود تا با نفی خداوند و تثییزم، انسان به عنوان خدای این جهان معرفی گردد. این اومانیزم الحادی به شکلی رادیکال و گستاخانه توسط شیطان پرستان تبلیغ می‌شود:

« من از نسلی هستم که جرات دارد به وجود خدا شک کند. بر توانایی او شک کند. نسلی که جرات دارد او را نقد کند، او را انکار کند... چه کسی تو را خدا نامید؟ چه کسی تو را به این درجه منسوب کرد؟ از کجا آمدی؟ کجا زاده شدی؟ چه کسی تو را آفرید؟ جز این که انسان تو را آفرید!!!» (صدیقی، ۱۳۸۶: ۱۴۴)

این سخنان جسورانه تنها از فقر فکری و فلسفی شدید آنتوان لاوی حکایت می‌کند که بدون دانستن معنای واقعی ممکن و واجب، بیهوده می‌کوشد تا ممکن الوجودی چون انسان را از فقر امکان ذاتی برهاند و به مقام واجب الوجودی برساند. بی‌خبر از این‌که:

سیه رویی ز ممکن در دو عالم جدا هرگز نشد والله اعلم

بر اهل نظر پوشیده نیست که اصولی نظیر اومانیزم و هدو نیزم و... مبانی دوران مدرن غرب را شکل داده است. پس طرح فرقه‌ای با این مبانی اگر چه ویژگی‌های مخصوص به خود را دارد اما پدیده‌ای متناقض و یا ناسازگار با دوران مدرن نیست. این مسئله فرصت طرح و نشر را به آن فرقه داده است.

از دیگر ویژگی‌های شیطان پرستی مدرن استفاده ابزاری از هنر و سمبلیسم است. انواع سمبل‌ها و نشانه‌های اهریمنی مانند صلیب وارونه، هگزا گرام (ستاره

شش پر داوود)، پنتاگرام (ستاره پنج پر معکوس)، بافومت (سر بز به عنوان نماد شیطان)، بین و یانگ (علامت خیر و شر در تائوئیسم چین) و... نمونه‌هایی از این سمبل‌ها هستند. گروه‌های موسیقی مختلف از متال‌ها و راک‌ها و... که توسط اشخاصی مانند مرلین مانسون اجرا می‌شود، به عنوان گیتار الکتریکی شیطان است که جذابیت‌های کاذبی را در جهان ایجاد کرده است.

۱- شیطان پرستی در خدمت اپوکالیپس

این همه پیشینه‌ی شیطان‌پرستی بود تا بدانیم شیطان‌پرستی مدرن پدیده‌ای ابتدا به ساکن و یا دفعی و آنی در جهان نبوده است بلکه غباری چند صد ساله در جادوگری و دیوشناسی و... را بر پیشانی دارد که توانسته است برای خود جایی باز کند و چندان چیز غریبی برای غربیان آن‌گونه که برای شرقیان است، نباشد. تاثیرات آئین‌های انحرافی نظیر میترائیسم و کابالا، عملکرد کلیسا در قرون وسطی و تحولات دنیای مدرن و پست مدرن همه دست به دست هم دادند تا بستری حاصلخیز را برای طرح شیطان‌پرستی فراهم کنند.

اما پرسش مهم دیگری نیز قابل طرح است و آن این که اینک جهان را چه شده است که دوباره شیطان جان گرفته و سر از هزار توی پنهان و آشکار دین، فلسفه و هنر جهان مدرن و پست مدرن در آورده است؟ بازگشت مجدد و پر رنگ شیطان در آمریکا و کشورهای اروپایی از فرقه‌های اجتماعی گرفته تا سینمای هالیوود و موسیقی‌های متال و راک و... داستان را از صرف یک فرقه انحرافی و ضاله با چند موزیک ویدئو فراتر می‌برد.

در پاسخ به این پرسش مهم لازم است تا به پروژه ای به نام اپوکالیپس (Apocalypse) یا آخر الزمان توجه کنیم. نگاهی به باب اشعیا و دانیال نبی در

تورات و باب مکاشفات یوحنا انجیل مسأله را روشن می کند. سالهاست، دین یهود که مدعی است آن مسیحایی که ظهور کرد مسیح دروغین بود و مسیح منجی در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و دین مسیحیت که معتقد است مسیح پس از به صلیب کشیده شدن به آسمان عروج کرد تا در ظهوری دیگر به زمین باز گردد؛ در انتظار مسیحی آخرالزمان به سر می برد و هر از گاهی تاریخی برای ظهور او تعیین می کند. آخرین تعیین وقت، سال ۲۰۰۰ بود و اینک سال ۲۰۱۲ را سال پایانی جهان می دانند که در آن سال نبرد آرماگدون به عنوان نبرد هسته ای نهایی و پایان جهان اتفاق می افتد و پس از آن مسیح برای تشکیل یک حکومت جهانی باز می گردد. در باب مکاشفات یوحنا انجیل برای این ظهور علائمی مطرح شده است، نظیر احداث هیکل سلیمان و تخریب مسجد الاقصی، بازگشت اسرائیل و یهود به ارض موعود یعنی فلسطین و غیره... یکی از آن علائم ظهور شیطان و آنتی کریست (دجال، ضد مسیح) است که مردمان را به طرف خود می کشاند و شیطان پرستی و ابتذال و اباحیگری را رواج می دهد. این علائم و مراحل در مجموع به هفت مرحله می رسند که با نبرد آرماگدون در صحرای مگیدو پایان می یابد. (پروتستانتیزم، ۱۳۸۴: ۹۰)

از این رو در رساله دوم تسالونیکیان می بینیم که آمدن مسیح را موکول به آمدن ضد مسیح می کند:

زنهار کسی به هیچ وجه شما را نفریبد. زیرا که تا آن ارتداد اول واقع نشود و آن مرد شریر یعنی فرزند هلاکت ظاهر نگردد آن روز نخواهد آمد که او مخالفت می کند و خود را بلند تر می سازد از هر چه به خدا یا معبود مسمی شود به حدی که مثل خدا در هیکل خدا نشسته خود را می نماید که خداست. (محمدیان، بی تا: ۵۹۴)

در بین مسیحیان دو اعتقاد در باب بازگشت مسیح موعود مطرح است. یکی

ماقبل هزاره ای و یکی ما بعد هزاره ای: «جریان اول ماقبل هزاره است که اعتقاد دارند حکومت هزاره یا مسیح، یکباره ظهور و حکومت هزار ساله خوشبختی را آغاز می‌کند. اما جریان دوم به جریان مابعد هزاره معروف و معتقدند پادشاه هزاره، هزار سال پس از حاکمیت اخلاق مسیحی بر جهان ظهور خواهد کرد.» (هلال، ۱۳۸۵: ۳۱۹)

از جمله کشیشان انجیلی و ایوانجلیست که بازگشت مسیح را تبلیغ می‌کنند یکی پت رابرتسون است که از ما قبل هزاره ای ها است. او در پیشگویی خود چنین می‌گوید: «نظام نوین جهانی زمینه را برای حکومتی جهانی فراهم می‌سازد و این ایالات متحده است که راه را برای این نظام باز می‌کند و صحنه و میدان جهان آماده است تا رهبر (شیطان) بر نیروهای دولت جهانی حمله کند. استراتژی شیطان حمله مستقیم به دولت اسرائیل است.... نتیجه جنگ فرجام تاریخ، برچیده شدن نظام نوین جهانی و برپایی نظام الهی است.» (همان، ص ۳۲۵)

با تأمل بر این مجموعه سخنان در می‌یابیم که آمدن مسیح منوط به آمدن ضد مسیح و گسترش ارتداد است. پس اگر کسی آمد و تعیین کرد پایان جهان فرا رسیده است و مسیح در سال ۲۰۱۲ خواهد آمد، بدون شک باید نشانه‌های آمدن را نیز در مقابل داشته باشد. و طبق پیش‌بینی‌های کتاب مقدس تا آن فرزند هلاکت، چه شیطان باشد یا دجال به عنوان پسر شیطان، نیاید و آن ارتداد عظیم اتفاق نیافتد، مسیح نخواهد آمد. از این رو لازم است تا در نشانه‌سازی تصنعی مطابق با آموزه‌های کتاب مقدس و علائم پیش‌بینی شده، شرایط باور پذیری آن تعیین زمان جعلی را نیز فراهم کند. در همین راستا شیطان پرستی مدرن، رنگ و بوی انجیلی دارد. مخالفت تمرکز یافته با مسیحیت و کلیسا، نشانه‌هایی مانند عدد

۶۶۶، سرود های مختلف به نام دجال در گروه های موسیقی، همه شواهدی بر این مدعاست.

پیتر هاینینگ به عنوان یکی از محققین تاریخ جادوگری، به خوبی اشاره می کند که آن چه از قرن شانزدهم به بعد در جادوگری شکل می گیرد چیزی به نام جادوی سیاه یا بلک مس (black mass) است. بلک مس در اعمال جادوگری و شیطانی خود به دنبال تحقیر و توهین به دین و کلیساست. همین جادو تا به شیطان پرستان مدرن ادامه می یابد:

بدین ترتیب جادوی سیاه با مراسم ننگین اش هر چند مخفیانه اما قاطعانه خود را تثبیت کرد. بعدها در می یابیم که چگونه جادوی سیاه تا به امروز تداوم یافته است. تنها بعضی از مفاهیم آن برای سازگاری با شرایط متغیر اجتماعی تغییر کرده، اما شالوده آن از نظر ترویج اعمال شیطانی از طریق انحراف جنسی و توهین به مقدسات کلیسای مسیح کوچکترین تغییری نکرده است. (هاینینگ، بی تا: ۹۴)

تلاش شیطان پرستان و تمرکزشان در مبارزه با مسیحیت و کلیسا نوعی خط موازی را شکل می دهد که گویای راز مهمی است. و آن راز این است که درحقیقت یک بار دیگر چون گذشته ها در قرون وسطی، شیطان در خدمت کلیسا قرار می گیرد. از این رو شیطان پرستی در واقع نشانه ای آخرالزمانی در شانتاژ افکار عمومی است که خود مهره ای در بازی شطرنج پروژه ی آخرالزمان است. این است که می بینیم در دل آمریکا و در بین ایوانجلیست ها که مسیحیان رادیکال آمریکا هستند و با حمایت دولتمردان مختلف از کلیتون و بوش گرفته تا سارکوزی یهودی در فرانسه که شب ها همسرش با گروه های موسیقی شیطان پرستی برنامه اجرا می کند، دست به دست هم می دهند تا فرقه شیطان پرستی جان بگیرد، با آنها دیدار می کنند و از مالیات معافشان می کنند و این همه بی علت نیست.

۲- نتیجه

در بررسی پدیده‌ها و جریان‌ها و جریانات جهان، نباید در بند ظواهر بمانیم و از اصل و پشت پرده‌ها غافل شویم. پرداختن به تاریخچه و نماد فرقه‌های نوظهور خوب است اما تا زمانی که ما را از متن دور نگرداند. شیطان‌پرستی، قطعه‌ای کوچک در پازل‌های بزرگتری نظیر پروژه اپوکالیپس است. حتی هم‌نوایی اصول فکری این فرقه نظیر اومانیزم ملحد، هدونیزم و... با مبانی دوران مدرن و انسان‌گرایی کابالایی و بهشت دنیوی یهودی، در حقیقت تاکید مؤکد و ترویج نقاب‌دار اندیشه‌هایی است که سال‌هاست به عنوان آخرین دست‌آوردهای فکر بشری تبلیغ می‌شوند.

بازی‌های امروز جهان چنان پیچیده شده است که آن کس که مبلغ آموزه‌های دینی و مسیحیت رادیکال است با آن کس که در سایه، فرقه‌های ضاله را پشتیبانی می‌کند، دو شخص نیستند. به عنوان مثال هم‌کشیشان انجیلی مانند جری فالول و پت رابرتسون ریشه در یهود دارند و هم سینمای یهودی هالیوود که تولیدات شیطانی و جادوگری را به جهان تزریق می‌کند. حاصل این ماجرا برای مردم جهان تنها تفرقه و جدال بی‌امان خواهد بود. از دیگر چیزها نیز می‌گذریم که چه مقدار در حوزه‌ی روابط سیاسی مانند حمله‌ی آمریکا به عراق- برای آن‌که شیطان از عراق به پا می‌خیزد- سود می‌برند و در ساختن انواع فیلم‌های هالیوودی طالع نحس، کنستانتین، پسر جهنمی، مومیایی و... و موسیقی‌های مختلف چقدر پول به جیب می‌زنند. و جوانان با نشاط و سرشار از انرژی و تفکر را به جای تولید فکر و نوسازی ساختارهای مختلف کشورهای خود، مشغول تخیل و تکثر واهی و نجاست‌خواری و خون‌خواری و اباحیگری در یک محفل سیاه شیطان‌پرستی می‌کنند.

خدا را، چشم اجتماعی بازی لازم است تا اتاق فکر خلوت و ساکت این دغدغه‌های شلوغ و فریادهای گیتار الکتریکی شیطان را ببیند و بداند بازیگر اصلی در سایه نشسته است؛ و این داستان‌ها هشیاری و تلاش و تفکر ما را می‌طلبد.

کتاب نامه

- ۱- قرآن کریم
- ۲- (۱۳۸۳). کتاب مقدس. ترجمه فاضل خان همدانی. چاپ دوم. تهران: انتشارات اساطیر
- ۳- *دائرة المعارف کتاب مقدس*. (بی تا). ترجمه بهرام محمدیان. چاپ اول. تهران: نشر سرخدار
- ۴- بایرناس، جان. (۱۳۸۳). *تاریخ جامع ادیان*. ترجمه علی اصغر حکمت. چاپ چهاردهم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- ۵- *پرو تستانتیزم و پیوریتانیزم و مسیحیت صهیونیستی*. (۱۳۸۴). چاپ سوم. تهران: نشر هلال
- ۶- توفیقی، حسین. (۱۳۸۱). *آشنایی با ادیان بزرگ*. چاپ پنجم. تهران: انتشارات سمت
- ۷- دورانت، ویل. (۱۳۷۳). *تاریخ تمدن*. ترجمه ابو القاسم طاهری، جلد ۴. چاپ چهارم. تهران
- ۸- -----، (۱۳۷۳). *تاریخ تمدن*. ترجمه صفدر تقی زاده. جلد ۵. چاپ چهارم. تهران
- ۹- روزبھانی، احمد. (۱۳۸۶). *کاوشی پیرامون شیطان پرستان یا یزیدیان*. چاپ اول. تهران: نشر ابتکار دانش
- ۱۰- صدیقی پاشاکی، علی. (۱۳۸۶). *جنون شیطان پرستی*. چاپ اول. تهران: انتشارات ناظرین
- ۱۱- کومن، فرانکس. (۱۳۸۰). *آئین پر راز و رمز میترائی*. ترجمه هاشم رضی، چاپ اول. تهران: انتشارات بهجت

- ۱۲- کریمی، حمید. (۱۳۸۸). *جهان تاریک*. چاپ اول. قم: انتشارات بوستان کتاب
- ۱۳- ماهنامه موعود. ش ۱۲۴ و ۱۲۳. ویژه نامه جن، *مقاله شیطان پرستان*.
- ۱۴- هلال، رضا. (۱۳۸۵). *مسیح یهودی و فرجام جهان*. ترجمه قیس زعفرانی. چاپ سوم.
تهران: نشر هلال
- ۱۵- هاینینگ، پیتر. (بی تا). *سیری در تاریخ جادوگری*. ترجمه هایده تولایی. چاپ اول.
تهران: نشر آتیه